



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: نقاشی...ترم: ۲...سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹
نام درس: اصول و ارائه آثار هنری نام و نام خانوادگی مدرس: شیما گلچین.....
آدرس email مدرس: تلفن همراه مدرس: ۰۹۱۲۲۳۶۱۶۹۴.....

جزوه درس: اصول و ارائه آثار هنری مربوط به هفته : اول □ دوم □ سوم □
text: دارد □ ندارد □ voice: دارد □ ندارد □ power point: دارد □ ندارد □
تلفن همراه مدیر گروه : ۰۹۲۸۲۷۸۰۰۵۲

بسمه تعالی

ارتباط تصویری

کادر و چارچوب

تعریف کادر:

اما کادر و چارچوب در هنرهای بصری بی تردید یکی از مهمترین عوامل بیان هنری است و بدون کادر موفقیت بیان هنری کاملاً منتفی است.

کادر محدوده ای است که تمامی عناصر بصری در آن جای می گیرند یا می توانند جای بگیرند و در صورت وجود، فضای خالی باقی مانده را در محدوده مشخص می کند. به عبارتی دیگر کادر یا چارچوب، مرزهای بیرونی طرح یا محدوده دربرگیرنده عناصر بصری است.

در هنرهای غیرتجسمی نظیر تئاتر نیز کادر کاملاً قابل تعریف است. طراح صحنه با چیدمان خود در یک محدوده به بیننده حکم می کند که با این دکور و نور و محدوده فضایی بر روی صحنه نمایش به کدام قسمت باید نگاه کند. هرچند لزومی ندارد که کادر حتماً به شکل یک چارچوب، یعنی به شکل مربع یا مستطیل باشد، اما اغلب شکل کادر مربع و مستطیل است. به دلیل اینکه یک اثر هنری می بایست قادر باشد که از همه امکانات (فضا) به نسبت معقول و متعادل بهره مند شود. این نوع کارها بیش از همه مورد استفاده قرار می گیرند.

همانطور که قبلاً نیز بیان شد، عنصر افقی مساوی است با سردی و آرامش و عنصر عمودی مساوی است با گرما و فعالیت. عنصر افقی در بالا و پایین قرار دارد و عنصر عمودی مرزهای چپ و راست سطح اصلی را تشکیل می دهد. با این وصف مشاهده می کنیم که انسان به دلیل وجود نیروی متضاد در درون خود و به خاطر دارا بودن خط عمود در طبیعت که سمبل قدرت، استواری، اطمینان، صلاوت، استحکام، پایداری و... است و دلایل متعدد دیگر به کادر چارچوب با زاویه ۹۰ درجه، همچون مربع و مستطیل اطمینان بیشتری دارد. در ادامه انواع کادرهای مهم را مورد بررسی قرار می دهیم:



انواع کادر:

کادر مربع:

به دلیل تشابه و تقارن محوری شکل مربع، بدون کشش بوده و جهت تصویر متوجه مرکز آن است و مفاهیمی چون توازن، قدرت، سکون، دوام و آرامش را القا می‌کند. در صورتی که چنین مفاهیمی در نظر هنرمندان باشد کادر مربع می‌تواند انتخابی منطقی باشد. و توجه اولیه به مرکز هندسی شکل مربع منتقل می‌شود.

کادر مستطیل:

کادر مستطیل نزدیک ترین شکل به کادر مربع است. با این تفاوت که در کادر مربع به جهت توجه نمی‌شود چرا که اضلاع عمودی و افقی مربع برابر است. اما در کادر مستطیل به دلیل طولی تر بودن یکی از ابعاد آن، جهت را مشخص می‌سازد. به این ترتیب که اگر کادر مستطیل عمود بود، اشاره به ترکیب بندی دارد که در آن عمود بودن از اهمیت بیشتری برخوردار است. بدین سبب این کار در بیشتر کارهای هنرهای تجسمی از جمله نقاشی و گرافیک، خصوصاً در امر طراحی پوستر... مورد استفاده فراوان قرار می‌گیرد. اگر کادر مستطیل به حالت افقی بود اشاره به ترکیب بندی دارد که در آن افقی بودن از اهمیت بیشتر برخوردار است. کادر عمودی حرکت و توجه به بالا و کادر افقی حرکت به چپ و راست را القا می‌کند. به نظر می‌رسد کادر مستطیل مورد استفاده بیشتری نسبت به کادر های دیگر داشته است.

کادر دایره:

کادر دایره بسته به کاربرد آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و البته بنا به سلیقه هنرمند نیز می‌تواند در مواردی خاص اعمال شود. این کادر تصویری بیشتر از مربع جهت تصویر را متوجه مرکز می‌کند. در دوره رنسانس نقاش نامداری به نام (رافائل) به این کادر توجه فراوانی داشت، از جمله کارهای وی تابلوی (مادونای آلبا، ۱۵۱۰م) است که با رنگ روغن روی تخته با ترکیب بندی مثلث مرکزی نقاشی شده است و تمام کادر داخل یک کادر دایره قرار دارد. هنرمند با ترسیم خط های افقی که به واسطه وجود کوهستان و آسمان و همین طور خط های درخشان در دوردست و ساختار ترکیبی مثلث که فیگورها درون آن قرار دارند به توازن منطقی دست پیدا کرده است. به خصوص خط مورب صلیبی که در دست کودک قرار گرفته به این تصویر کمک فراوانی کرده است.

کادرهای شکسته یا کادرهای غیر هندسی:

توانایی کادر های شکسته یا غیر هندسی در بیان ایده های هنری موضوعی است قابل اشاره. مثال منطقی این نحوه برخورد با موضوع های هنری را می‌توان در هنر ایران، به وفور مشاهده کرد. موضوعات نگارگری



ایران، داستان های مذهبی، شاهنامه، منظومه های مختلف و... بهانه‌هایی بود برای خلق آثار چشمگیر. در اکثر نگارگری ها، با متونی مواجه می شویم که در فضای متن تصویر، در قالب کتیبه ها نمایان هستند.

موقعیت عناصر بصری در کادر:

اگر یک عنصر بصری به عنوان مثال نقطه را در موقعیت های مختلف نشان دهید، متوجه می شوید که نقطه به عنوان عنصر بصری هیچ گونه تغییری نمی کند، بلکه صرفاً این کادر یا چارچوب است که تعریف نقطه را در اثر بیان می کند و با بزرگ و کوچک شدن کادر، نقطه موقعیت خود و حتی شخصیت خود را از دست می دهد و تبدیل به سطح می شود. کادرهای متوالی یا چند لته ای از دیگر کادرهای ابتکاری در بین هنرمندان گذشته و معاصر است.

فضا:

فقط فضای سه بعدی قابل درک پیرامون ما نیست که فضا قلمداد می شود، بلکه فضای دو بعدی که بخش مهمی از وظایف ایجاد آثار هنری دو بعدی از جمله نقاشی، گرافیک، طراحی و سایر هنرهای بصری را بر عهده دارد فضا قلمداد می شود. برای ایجاد فضای دو بعدی بر روی سطح، مثلاً ایجاد حجم، فاصله. عمق و... بی تردید باید از قابلیت های فردی که زاینده ذهن خلاق و هنرمند است استفاده کنیم و آن چیزی نیست جز به کار بردن انواع روش ها از جمله سایه روشن و ایجاد عمق، پرسپکتیو، ترکیب سطوح و غیره که فضا را در تصویر دو بعدی ارائه می دهد.

انواع فضا

فضای مثبت:

فضای مثبت به بخش های پر شده تصویر (اجسام تصویری، اشیاء یا جانداران) که فضا را اشغال کرده اند گویند.

فضای منفی:

فضای منفی (خلا) به فضای خالی تصویر و یا پس زمینه ای که اجسام تصویری بر آن قرار گرفته اند (اصطلاحی در برابر فضای مثبت) گویند. قابل ذکر است که در ساختار کلی تصویر محدوده های خالی نیز کارکردی همانند شکل های توپر دارند.



شکل و فرم:

شکل:

تعریف شکل در لغت نامه دهخدا چنین آمده است: (حیاتی که جسم را پیدا شود به سبب احاطه حد) همچنین در دایرة المعارف هنر آمده است: (بخش متمایز شده است از فضای پیرامون به واسطه خطوط مرزی یا تفاوت در رنگ، رنگ سایه و بافت که بیشتر در سطح دلالت می کند تا حجم).

فرم:

حجم. شکل. شکل سه بعدی. صورت. جسم. تنوع. رسم. طرز رفتار. نظم، ترجمه شده فرم است. (اما فرم یا صورت در هنرهای بصری به معنای شکل دو بعدی یا سه بعدی، تو پر یا میان تهی است.)
به طور کلی همه چیزهایی که دیده می شوند دارای فرم هستند. فرم یعنی هر چیزی که دیده شود و دارای شکل، اندازه، رنگ و بافت باشد و فضا را اشغال کند. به عبارتی دیگر فرم، شکلی است مستقل و مثبت که فضا را اشغال می کند و قابل تشخیص از پس زمینه است.

شکل یا فرم:

اغلب دو واژه (شکل و فرم) به صورت مترادف با هم استفاده می شود، اما در واقع معنی آنها یکی نیست. شکل، محدوده ای است که به آسانی با رسم خط به دور آن مشخص می شود. فرم شکلی است که حجم و ضخامت داشته باشد و بتوان نماهای مختلف آن را نشان داد. فرم تا اندازه ای حجم و ضخامت داشته باشد و بتوان نماهای مختلف آن را نشان داد. فرم تا اندازه ای حجم و عمق، یعنی خصوصیات ویژه ای که تصاویر سه بعدی را تداعی می کنند نشان می دهد. در صورتی که شکل، تصویر فرم را از زوایا و فواصل خاص به نمایش می گذارد. بنابراین یک فرم می تواند شکل های زیاد و متعددی داشته باشد. به طور خلاصه می توان چنین بیان کرد همان طور که (شکل) بیشتر وابسته به سطح است و صفت مشخصه آن محسوب می شود (فرم) نیز وابسته به حجم بوده و به عنوان اولین صفت مشخصه حجم به شمار می آید. چنانچه گفته می شود، فرم مکعب، فرم منشور، فرم بدن انسان، فرم مجسمه، ساختمان و غیره.

دیدن و نگاه کردن:

در باب دیدن:

فرهنگ معین دیدن را اینگونه تعریف می کند: نگاه کردن، نگریستن، دریافتن، مشاهده کردن، کشف نمودن، تشخیص دادن، تصور کردن....

بینایی. شنوایی. بویایی. چشایی و لامسه همگی جز حواسی به شمار می آیند که نقش بخشی از خلق یا درک



یک کار هنری را بر عهده می گیرند. در تجربه کامل یک اثر هنری، شخص نه تنها می بیند بلکه می شنود، لمس می کند و حتی با تخیل خود می بوید...

اما در خصوص بیان و اجرای یک اثر هنری، مسلماً مهمترین حس آدمی حس بینایی است. چرا که هنرمند در ضمیر ناخودآگاه خود نیز ابتدا با تخیل تجربه دیدن (دیدن مجازی) را تجربه می کند و سپس عینیت می بخشد. ما برای ایجاد ارتباط بهتر مجبوریم دنیای طبیعی و مصنوع پیرامون خود را در تمام شکل های آن به دقت مشاهده کرده و به خاطر بسپاریم و این فرآیند چیزی نیست جز نعمت بینایی و بینایی تعریف عمل دیدن است قسمت اعظم یادگیری در انسان به هر شکلی که باشد بصری (از طریق دیدن) است و تنها چیزی که برای درک بصری لازم است، قدرت بینایی است. هر چند عده ای بر این باورند که اولین تجربه آموزنده هر انسانی کسب آگاهی وی به وسیله حس لامسه است و این حس در کنار احساس متعدد انسان نظیر چشیدن و بویدن کامل تر می شود، که به تدریج حس بینایی و درک تصویر نیز به کمک حواس او می آید، نهایتاً این حس بینایی است که در درجه اول احساس آدمی قرار می گیرد.

فراوش نکنید که عمل (دیدن) با عضوی از بدن به نام چشم صورت می پذیرد. ولی این بدان معنا نیست که تمامی انسانها قدرت دیدن دارند. چرا که بعضی صرفاً نگاه می کنند و در حقیقت نمی بینند. بدیهی است هر کسی به طور طبیعی توانایی دیدن را دارد و بدون صرف نیرویی می تواند ببیند. زیرا عمل دیدن در سیستم اعصاب بدن انسان دارای عملکرد خودکار است و اغلب تصور بر این است که دیدن، چیزی نیست جز چشم گشودن و نظاره کردن بر شیء مقابل، چه هنری چه غیره و هیچ نیازی به پرورش و تعلیم این حس معجزه گر نیست. اما حس بینایی چیست؟ (حس بینایی عبارت است از توانایی تشخیص و فهم بصری پدیده های موجود در محیط و نیروهایی که تاثیری عاطفی بر بیننده می گذارند.)

آدمی بیش از آنکه شیفته شنیدن باشد، شیفته دیدن است. مهمترین دلیل این است که سریع ترین، راحت ترین و مستقیم ترین ارتباط، ارتباط بینایی است. تجربه دیدن برای همه لذت بخش تر از شنیدن است. جذابیت مشاهده یک فیلم بسیار بیشتر از شنیدن توصیف آن است. همین طور پخش یک برنامه مستقیم تلویزیونی قابل مقایسه با پخش برنامه رادیویی نیست. لذت دیدن چیزی است که انسان به طور غریزی طالب آن است.

اما یکی از مهمترین ویژگی های دیدن، همزمانی فعالیت های مختلف در آن است. که هر یک از کارهای مختلف آن به کل جریان و شرایط آن مربوط می شود. دیدن، راه های انتخاب متعددی را برای یافتن خبر به ما عرضه می کند و همه این راه ها همزمان در اختیارمان قرار می گیرد. با وجود اینکه ما به دیدن عادت کرده ایم و آن را طبیعی تلقی می کنیم نتایج در جریان آن شگفت آور است. همانطور که می دانیم آگاهی بصری با سرعتی



نزدیک به سرعت نور کسب می شود و اخبار بصری دائم همچون جریان مداوم و پرتحرک ما را در ارتباط با محیط قرار می دهد.

می دانیم که بی شک لازمه نگرش درست و شناخت صحیح از یک اثر یا هر چیزی، شناخت و فهم درست ویژگی های مختلف آن موضوع است. پس با دقت نگاه کردن و با شکیبایی نظاره کردن اساس نگرش صحیح و دقیق و با تامل است. در مرحله اول به ابعاد گوناگون شی یا موضوع نظاره می شود. اندازه، سادگی و پیچیدگی آن، تطبیق و یا کشف ترکیب های تازه و شکل های جدید مورد بررسی قرار می گیرد.

از طرف دیگر خود این موضوع دیدن، موضوعی است که در گام نخست برای ادراک حسی وجود دارد، یعنی دیداری است. اما از آنجا که از یک نظام فیزیکی و علت و معلولی تجرید می شود، در نهایت زاده نیروی آفریننده ذهنی تماشاگر است. پس دیدن برای هر ناظری از تفکر و بینش او سرچشمه می گیرد. به همین دلیل است که در فلسفه مدرن، دیدن و نگاه کردن، نکته هایی مرکزی و بنیادین دانسته شده اند.

اما بعضی از انواع دیدن، مانند (ژرف نگری) که اساس خلاقیت هنری به شمار می رود نیاز مبرم به کوششی خودآگاهانه دارد و باید (دیدن) و (چگونه دیدن) را فرا گرفت. در حقیقت امر (دیدن) امری اکتسابی است و صرفاً به لحاظ دارا بودن چشم، دیدن تقویت نخواهد شد. چرا که بازده دیدن به میزان ناچیزی از انرژی محتاج است. در حالی که عملکرد وسیع و مهمی به دنبال دارد. اصولاً این (دیدن) است که جهان بینی ما را متحول کرده و به درک عمیق می رساند.

همه ما شاید به این نتیجه رسیده ایم که زمانی بر یک قطعه کاغذ. چوب. سنگ. سنگریزه و غیره نگاه می کنیم چهارگوش بودن یا باریک بودن را دراز و کوچک و ناهموار بودن آن اشیا به چشم ما می آید، اما با نگرستن دقیق و با تامل دوباره، ویژگی های این اجسام بیشتر نمایان خواهد شد. یا زمانی که آلبوم عکس یا فیلمی را به تکرار نگاه می کنیم، در هر بار نکته های تصویری جدید در آن کشف می کنیم. علیرغم دیدن چندین باره تصاویر، باز تجزیه و تحلیل و تاویل ما از تصاویر عمیق تر و جدید تر می شود و صد البته این موضوع ارتباط مستقیم با ذهنیت و درک تصویر و نهایتاً خلاقیت هر فرد دارد، چرا که خلاقیت خود سبب تحول بینش در بیننده می شود.

تمامی هنرمندان از جمله نقاش. مجسمه ساز. گرافیکست. معمار و ... حتی دانشمندان نوعی احساس نیاز به کشف و خلق چیزهای نو و جدید در سر دارند. برای رسیدن به این هدف می باید چگونه دیدن را آموخت، دیدن را تمرین کرد و آن را به کار برد.



دیدن و سنجیدن:

نخستین عمل (دیدن)، تطبیق و سنجیدن است. چشم ما می بیند و مقایسه می کند، جستجو می کند و همانطور که می دانیم جستجو نخستین گام هر دانش است. لازمه آگاهی داشتن چیزی، شناخت آن است و شناخت بدون جستجو، امکان پذیر نیست. شاید اندازه و نگاه انسانی به این دلیل مهم است که خود از جمله عاقلترین و توانا ترین موجودات است و در حال حاضر طبیعت و هستی در ابعاد ملموس در دست آدمی است و این انسان است که از زاویه دید خود مقایسه و سنجش را اعمال می کند. بی شک دیدن و مشاهده کردن در ارتباط با هنرهای بصری از اهمیت حیاتی برخوردار است. هر چه حس بینایی عمیق تر و غنی تر باشد روابط بین فرم ها و رنگ ها، تناسبات و دیگر عناصر بصری بیشتر مورد توجه قرار می گیرد و پویایی و زنده بودن حس بینایی زمانی همواره زنده و تازه است که روابط خالص و ناب بصری بیشتر مورد دقت و موشکافی و سرانجام آموزش قرار گیرد و این هنرمندان هستند که باید بیش از همه به این امر واقف باشند.

دانشجویان گرامی، حتما توجه داشته باشید، درس (ارتباط تصویری) شما دارای ۱ واحد عملی نیز می باشد که حتما باید ارانه ای در طول ترم داشته باشید. برای تعیین موضوع و چگونگی ارانه و پیشبرد آن، با شماره اینجانب (۰۹۱۲۲۲۶۱۶۹۴) در (واتس آپ)، در گروه کلاسی مجازی خود در ارتباط باشید. با آرزوی سلامتی و موفقیت جامع شما جویندگان دانش ایران زمین پر گوهر..